

مقدمه: آنچه لازم است درباره مردان و روابط بدانید

بیش از بیست سال است که تلاش می‌کنم درباره خود، خانواده، دوستان و بی‌شک درباره عشق و روابط مردم را بخندانم. شوخ‌طبعی من ریشه در حقیقت و عقلانیت دارد و نتیجه زندگی، نظاره کردن، یادگیری و شناخت است. بیشتر شوخی‌های من درباره زنان و مردان است و موردتوجه بسیاری از مردم قرار گرفته است، به‌ویژه کسانی که در زمینه پویایی رابطه بین زن و مرد تحقیق می‌کنند. گفتگو درباره رابطه بین زن و مرد همیشه مرا به وجد می‌آورد، فکر کردن درباره آنها، خواندن و سؤال کردن درباره آنها؛ حتی وارد شدن به این حوزه بدون در دست داشتن اطلاعاتی درباره آنها. در طول سفرهایم به نقاط مختلف دنیا اطلاعات زیادی کسب کرده‌ام و مرا قطعاً به این نتیجه رسانده است که بسیاری از زنان هیچ اطلاعاتی درباره مردان ندارند و مردان حتی با داشتن یک

شرایط ایده‌آل، باز هم رابطه را ترک می‌کنند، زیرا زنان نمی‌توانند مردان را درک کنند. سرانجام بعد از سال‌ها تحقیق و مطالعه و گفتگو با دوستان و همکارانم، اطلاعات ارزشمندی برای تغییر همه اینها به دست آوردم.

هنگامی به این موضوع پی بردم که کارم را با برنامه صبحگاهی استیو هاروی در رادیو شروع کردم. زمانی که برنامه‌ام در لس‌آنجلس اجرا می‌شد، بخشی به برنامه‌ام اضافه کردم به نام «از استیو پرس» که زنان می‌توانستند با برنامه تماس بگیرند و هر سؤالی که درباره رابطه داشتند مطرح کنند. هر سؤالی! حداقل فکر می‌کردم بخش «از استیو پرس» به یک کمدی خوب منجر خواهد شد و در ابتدا هدفم این بود که لطیفه‌های بهتری در این زمینه تعریف کنم و برنامه شاد و مفرحی را اجرا کنم، اما طولی نکشید که فهمیدم آنچه شنوندگانم که بیشتر آنها را خانم‌ها تشکیل می‌دادند، مطرح می‌کردند، واقعاً خنده‌آور نبود. آنها

نیازها و درخواست‌های بسیاری در زندگی‌شان داشتند و در جست‌وجوی راه‌حلی مناسب بودند. مثل یک رابطه متعهدانه، امنیت، مسائل خانوادگی، امید به فردایی بهتر، مسائل معنوی، روابط با خانواده همسر، سن و سال، دوستی، فرزندان، تعادل میان کار بیرون و کار خانه و در نهایت مسائل آموزشی. یک موضوع را انتخاب می‌کردیم و درباره آن دیگران از من سؤال می‌پرسیدند. حدس بزنید عنوان فهرستی که زنان می‌خواستند درباره آن صحبت کنند، چه بود؟ بله، مردان بود. شنوندگان خانم واقعاً دنبال پاسخ بودند، پاسخ به روابطی که دچار مشکل شده بود. برنامه «از استیو پیرس» بعدها تبدیل به «نامه‌های توت‌فرنگی» شد و الان این بخش، قسمتی از برنامه نمایش صبحگاهی استیو هاروی است. زنان به صراحت در این برنامه گفته‌اند که می‌خواهند یک تبادل منطقی با مردان داشته باشند. آنها می‌خواهند به همان روشی که عشق می‌ورزند، مردشان نیز به

آنها عشق بورزد؛ آنها می‌خواهند همان‌طور که
یک زندگی عاشقانه برای همسر خود فراهم
می‌کنند، همسرشان نیز متقابلاً این زندگی را برای
آنها فراهم کند. آنها خواهان احساسات و عواطفی
هستند که در زندگی همسرشان موج می‌زند و
انتظار دارند همسرانشان با همان شدت
خواسته‌هایشان را برآورده کنند. آنها انتظار دارند در
قبال تعهداتشان، به همان میزان مورد احترام قرار
بگیرند و برای آنها ارزش قائل باشند. مشکل
تمام خانم‌هایی که با برنامه رادیویی تماس
می‌گرفتند این بود که آنها نمی‌توانستند این پاسخ
متقابل را از مردان بگیرند و این زنان سرانجام در
روابط ناموفق خود احساس ناامیدی،
فریب‌خوردگی و سرخوردگی می‌کردند.
وقتی بلندگوها را خاموش و کار اجرا را تعطیل
می‌کردم و چراغ‌های استودیو را خاموش می‌کردم،
به زنانی فکر می‌کردم که هر صبح در برنامه
رادیویی از من سؤال می‌پرسیدند و من فوق‌العاده

گیج می‌شدم؛ زیرا حتی اگر همه مخاطبین تجربه خوبی با مردان داشتند (از جمله دوستان، همکاران مرد، عشق، همسر، پدر، برادر و غیره)، این زنان هنوز هم واقعاً می‌خواستند بدانند چگونه می‌توانند به عشقی برسند که می‌خواهند، نیاز دارند و شایستگی آن را دارند. من به این نتیجه رسیدم که حقایقی که آنها جستجو می‌کنند، هرگز به همان شفافیت و روشنی که برای ما مردان است، برای آنان نیست.

با این ذهنیت، دست از جوک گفتن برداشتم و با مخاطبانم بسیار جدی رفتار کردم. دانشی که طی نیم قرن تجربه در زندگی درباره مردان کسب کرده بودم را به اطلاع آنان رساندم؛ تمام تمرکز روی این مفهوم بود: چگونه یک مرد باشیم. همچنین ساعت‌های زیادی را با دوستانم صحبت کردم که همگی آنها مرد هستند از جمله: ورزشکاران، ستاره‌های سینما و تلویزیون، بانکدارها، مسئولان بیمه، رانندگان کامیون،